

مشاوره کافی نیست

جایگاه روان‌شناسی تربیتی در مدرسه
در گفت‌وگو با دکتر فریبرز درتاج
استاد روان‌شناسی تربیتی
دانشگاه علامه طباطبایی

گفت‌وگو کننده و عکاس: علی اصغر محمدی

دکتر فریبرز درتاج استاد تمام و مدیر گروه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی است که مسئولیت معاونت پژوهشی سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور را نیز عهده‌دار است. مسئولیت‌هایی همچون معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی، معاونت پژوهشی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت علوم، ریاست انجمن پژوهش‌های آموزشی ایران، عضویت در هیئت ممیزه مرکزی وزارت علوم، مدیریت گروه روان‌شناسی و هنر جشنواره بین‌المللی فارابی و نمایندگی وزیر علوم در سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره، در کارنامه دکتر درتاج دیده می‌شوند. با دکتر درتاج درباره نقش و جایگاه روان‌شناسی تربیتی در مدرسه، سواد روان‌شناختی مدیران مدرسه‌های ایرانی و آینده مدرسه‌های ایران گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در پی می‌خوانید.

است و عملکرد نظام آموزش و پرورش که مدیران آموزشی اداره آن را بر عهده دارند، نه تنها از نظر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مهم است، بلکه از نظر تأثیری که بر تربیت نسل آینده دارد، از اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. از این رو، از آغاز قرن اخیر، هیچ کشوری بدون توسعه در انتخاب مدیران آموزشی تحصیل کرده و مجرب، مراحل توسعه و پیشرفت را طی نکرده است.

از طرف دیگر، ترقی هر جامعه‌ای در گرو نوع و چگونگی تربیت و آموزشی است که در مدرسه‌هایش انجام می‌گیرد. از نظر آلبرت بندورا، کودکان از طریق تقلید و مشاهده بسیاری از اصول و مفاهیم تربیتی را فرا می‌گیرند. از آنجا که دانش‌آموزان بخش عمده‌ای از وقت خود را در مدرسه می‌گذرانند و با ورود به مدرسه الگوهای آن‌ها افزایش می‌یابد و افزون بر پدر، مادر،

■ از منظر دانش مدیریت آموزشی، مدرسه ایرانی در سیر تطورات خود میان دوگانه مدیریت و تربیت ایستاده و ناظر به موقعیت‌های متفاوت، وزن هر یک از دو قطب یادشده در تاریخ، متفاوت بوده است. شما از منظر دانش روان‌شناسی، این مواجهه و بهتر بگوییم این ملاقات را چگونه تحلیل می‌کنید و اصالت را به کدام قطب می‌دهید؟

باید به این دو قطب در کنار هم، در موازات هم و به نوعی کامل‌کننده یکدیگر نگاه کرد که وجود یکی بدون دیگری امکان‌پذیر نیست و معنایی ندارد. از یک طرف، عصر امروز عصر مدیریت و رهبری است و موفقیت نهادها و سازمان‌ها تا حد زیادی به کارآیی و اثربخشی مدیریت بستگی دارد. نظام آموزشی هم از این امر مستثنا نیست. ساخت نظام آموزشی هر کشوری دربرگیرنده مجموعه‌ای از نیازهای سازمان‌های رسمی آن کشور

خواهر و برادر، معلم، مدیر و سایر متولیان آموزشی و دوستان به این الگوها اضافه می‌شوند، نقش مدرسه در تربیت کودک بسیار پررنگ می‌شود. همچنین، با توجه به اینکه سن ورود به مدرسه در ایران هفت‌سالگی است و ۷ تا ۱۲ سالگی حساس‌ترین دوره تربیتی است و بعد از این سن شخصیت کودک تقریباً شکل گرفته است، از این منظر نیز نقش مدرسه در تربیت مشخص می‌شود. در نتیجه تمامی متولیان آموزشی باید به دانش و آگاهی مدیریتی مجهز باشند تا دانش‌آموزان را در مسیر درست هدایت کنند. بنابراین، اثر مدیریت به‌عنوان راهبر آموزش و تربیت در مدرسه را نمی‌توان نادیده گرفت، زیرا مدیریت آموزشی در پیشبرد اهداف تربیت نقش‌های حیاتی و حساس دارد. به‌عنوان مثال، اگر مدرسه‌ای را در نظر بگیریم که مدیر آن با روش‌های درست تعلیم و تربیت و همکاری در این باره آشنایی نداشته باشد، مسلماً بزرگ‌ترین و مهم‌ترین هدف نظام آموزشی کشور که تربیت نسل آینده جامعه است، محقق نخواهد شد.

■ **مدرسه‌ها را نه مکتب‌ها که روش‌های روان‌شناسانه احاطه کرده‌اند و فضای عمومی و رسانه‌ها نیز تجویزات روان‌شناسانه خود را بر ساکنان مدرسه تحمیل می‌کنند. همین امر موجب شده است ساکنان مدرسه در میانه دو قطب کمال‌گرایی و پوچ‌گرایی (نیبیلیسم) گرفتار شوند. شما راه چاره را چه می‌دانید؟**

دیدگاه استفاده و کاربرد نظریه‌ها و اصول روان‌شناسانه در آموزش دیدگاه کمال‌گرایانه‌ای نیست و چه بسا ضروری هم باشد. علم روان‌شناسی بر آموزش و شیوه‌های آن تأثیر بسزایی داشته و دارد، تا جایی که حتی یکی از زیرمجموعه‌های آن به‌نام روان‌شناسی تربیتی صرفاً به این مضمون می‌پردازد. استفاده از روان‌شناسی می‌تواند باعث بهبود بسیاری از مشکلاتی شود که در فرایند آموزش در مدرسه به وقوع می‌پیوندد. سند ملی آموزش و پرورش ایران فرصت مناسبی است تا دانش روان‌شناسی، به خصوص روان‌شناسی تربیتی، که در ارتباط بنیادی و همه‌جانبه با آموزش و پرورش است، به‌عنوان یکی از پشتوانه‌های اساسی تعلیم و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان ایران، نقش مؤثر خود را ایفا کند. در عین حال، توجه به این نکته نیز ضرورت دارد که دانش روان‌شناسی و روان‌شناسی تربیتی در عصر حاضر از گستردگی عظیمی برخوردار است و همچنان مستلزم شکوفایی و کاربرد بیشتر است.

■ **در مدرسه‌ها گویا امر روان‌شناسی مدرسه به مشاوره تقلیل یافته و از دیگر وظایف این جایگاه یعنی ارزیابی، مداخله، جلوگیری، پژوهش و برنامه‌ریزی خبری نیست. این جایگاه چه ضرورتی دارد و شما چاره را چه می‌دانید؟**

به‌طور کلی، پرداختن به روان‌شناسی مدرسه در تمامی حوزه‌ها، اعم از پیشگیری، تشخیص و مداخله زودهنگام،

مشاوره، غربالگری دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، برگزاری دوره‌ها و نشست‌های افزایش دانش و آگاهی روان‌شناختی متولیان امر آموزش، پژوهش، برنامه‌ریزی و ... امری ضروری و حیاتی است و نیاز به توجه بیشتر دارد. سلامت و بهداشت روان یکی از مؤلفه‌های مرتبط و مهم با عملکرد تحصیلی است. مدرسه در رشد و تربیت کودکان و نوجوانان نقش مهمی دارد. معلمان و مربیان همیشه تلاش می‌کنند بهترین آموزش‌ها را به دانش‌آموزان ارائه دهند، اما گاهی اوقات، دانش‌آموزان ما با مسائل و مشکلاتی روان‌شناختی روبه‌رو می‌شوند که به راهنمایی و حمایت تخصصی نیاز دارند. همین موضوع باعث شده است امروزه بسیاری از مدرسه‌ها در سراسر دنیا از خدمات روان‌شناسی مدرسه بهره‌مند شوند. حضور روان‌شناس در مدرسه می‌تواند مزیت‌های بسیاری برای دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌ها داشته باشد و تغییرات مثبت و قابل توجهی در فرایند آموزشی و رفاه دانش‌آموزان در زمینه‌های گوناگون تحصیلی، اجتماعی، ارتباطی، فردی و خانوادگی ایجاد کند. بنابراین، در حال حاضر یکی از مهم‌ترین وظایف نظام آموزشی کشور، سوق دادن برنامه‌های مشاوره‌ای مدرسه به سمت خدمات تخصصی و حرفه‌ای و استفاده از افراد متخصص در این زمینه، با دانش و رشته تخصصی مرتبط است که به افزایش و بهبود حوزه‌های روان‌شناسی مدرسه که در ابتدا به آن اشاره شد، کمک خواهد کرد.

تدوین سند ملی آموزش و پرورش ایران فرصت مناسبی است تا دانش روان‌شناسی، به‌عنوان یکی از پشتوانه‌های اساسی تعلیم و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان ایران، نقش مؤثر خود را ایفا کند

■ **سواد روان‌شناختی مدیران مدرسه‌ها را تا چه اندازه حدس می‌زنید و ارتقای این سواد چه استلزاماتی دارد؟**

بچه‌ها بعد از والدین بیشتر وقت خود را با افراد حاضر در مدرسه خود می‌گذرانند. مدرسه در رشد و تکامل ذهنی کودکان نقش بسزایی دارد. مدرسه خانه دوم نامیده می‌شود؛ جایی که آن‌ها نه تنها موضوعات مربوط به خود را یاد می‌گیرند، بلکه نحوه گذراندن زندگی را نیز می‌آموزند. مدرسه نخستین مکان مواجهه فرزندان ما با اجتماع است. بنابراین، ارائه راهنمایی مناسب برای دانش‌آموزان، یکی از وظایف اصلی معلمان، مدیران و تمامی کارکنان آموزشی مدرسه است. از این رو، نه تنها مدیران، بلکه تمامی کارکنان مدرسه باید از حداقل سواد و دانش روان‌شناسی برخوردار باشند تا بتوانند به نحو مؤثری به دانش‌آموزان آموزش دهند.

سلامت روان بخش مهمی از سلامت کلی فرزندان ما است که رابطه تعاملی بسیار پیچیده‌ای با سلامت جسم و محیط دارد. ما به‌عنوان والدین، مدیر یا معلم، در سلامت روان فرزند خود نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنیم. مدیران و معلمان باید آگاهی خوبی از روان‌شناسی دانش‌آموزان خود داشته باشند. درک الزامات، ظرفیت‌ها، سبک‌های یادگیری و رفتارهای روان‌شناختی آن‌ها بخشی از این موضوع است. آن‌ها می‌توانند از این دانش در

انتخاب راهبردهای آموزشی مناسب برای هر دانش آموز و برقراری ارتباط مؤثر با او استفاده کنند. دانش روان‌شناختی می‌تواند به مدیران مدرسه کمک کند مدیریت مدرسه خود را ارتقا دهند. آن‌ها می‌توانند از روش‌ها و راهبردهایی استفاده کنند که از رفتارهای نامطلوب در مدرسه می‌کاهند و محیط یادگیری مثبت‌تری ایجاد می‌کنند.

■ با توجه به پیشرفت‌های حوزه علوم شناختی، از مدرسه‌های آینده ایران چه تصویری دارید و مدیران آموزش و پرورش از یک‌سو و مدیران مدرسه از سوی دیگر نیازمند چه شایستگی‌هایی هستند؟

مسلماً نسل آینده با نسل امروز متفاوت خواهد بود و قطعاً نیازها و الزامات نیز تغییر خواهند کرد. بنابراین، از امروز باید برای دانش آموز آینده برنامه‌ریزی کرد. همان‌طور که در پاسخ به پرسش قبلی نیز اشاره کردم، با توجه به ارتباط نزدیک بین مؤلفه‌های روان‌شناختی و پیشرفت آموزشی و تحصیلی، و همچنین دست‌وپنجه نرم کردن نسل امروز (و چه بسا نسل آینده) با مشکلات روان‌شناختی و افزایش اختلالات روانی در سنین پایین و نیاز به شناسایی و مداخله زود هنگام به منظور پیشگیری و جلوگیری از حادث شدن این مشکلات، یکی از ویژگی‌های مدرسه‌های آینده باید مجهز بودن به کارکنان آگاه در زمینه مسائل روان‌شناختی و نیازهای روانی آن نسل باشد.

افزون بر این، طبق تحقیقاتی کیفی که در رابطه با ویژگی‌ها و توانمندی‌های مدیریتی مدرسه‌های آینده در داخل کشور انجام شده است، متغیرهای مهارتی (مهارت‌های فنی تخصصی، انسانی و ادراکی)، صلاحیت حرفه‌ای با دانش وسیع مدیریتی، توانایی در ترسیم افق جامعه، توانایی درک و هدایت متعلمان، و شایستگی‌های رهبری^۱ جایگزین خواهند شد. توانایی ایجاد آرامش، توانایی در برقراری ارتباط شخصیتی آگاه به اصول تعلیم و تربیت و روان‌شناسی، به‌ویژه روان‌شناسی تربیتی در مدرسه، توانایی در تبدیل اهداف تربیتی به رفتاری، تسلط مدیریت مدرسه بر فناوری اطلاعات و ارتباطات و ایجاد مدرسه‌ای منطبق بر استانداردهای تربیتی به‌روز، آشنا با فناوری‌های نوین، دانش تخصصی و مدیریت علمی، مهارت ایجاد انگیزه در معلمان و کارکنان مدرسه، توانایی در همگامی پیشرفت و تحولات و همراهی با روند توسعه علمی و فناوری، توانا در شناخت ویژگی‌های محیطی، توانایی مدیریت ساختارهای در حال تغییر، انتخاب شیوه‌های مهم و برجسته آموزشی، تبادل نظر، توجه به اهمیت منابع انسانی، اتخاذ تصمیم برای مدیریت مؤثر و ... مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مطلوب مدیران در مدرسه‌های آینده بوده‌اند که شناسایی شده‌اند. تعداد زیاد ویژگی‌های شناسایی شده برای مدیران مدرسه‌های نسل آینده، نشان‌دهنده اهمیت و نقش مؤثر آن‌ها در آموزش و پرورش است. ■

پی‌نوشت

۱. در دنیای کنونی، بحث شایستگی‌های رهبری در مدرسه‌ها مطرح است، نه مدیریت. لذا در اندک زمانی، به‌جای مدیریت مدرسه، رهبری مدرسه جایگزین خواهد شد.

